

الفصل الثالث: في الاستحاضة

فصل سوم: استحاضه

وهو يشتمل على: أقسامها، وأحكامها.

این فصل مشتمل بر اقسام و احكام استحاضه است:

أما الأول: فدم الاستحاضة - في الأغلب - أصفر بارد رقيق يخرج بفتور. وقد يتفق مثل هذا الوصف حيضاً، إذ الصفرة والكدر في أيام الحيض حيض، وفي أيام الطهر طهر. وكل دم تراه المرأة أقل من ثلاثة أيام ولم يكن دم قرح ولا جرح فهو استحاضة. وكذا كل ما يزيد عن العادة ويتجاوز العشرة، أو يزيد عن أكثر أيام النفاس ولا يحمل صفة دم الحيض، أو يكون مع الحمل، أو مع اليأس أو قبل البلوغ.

خون استحاضه:

در بیشتر موارد زرد رنگ، سرد و رقیق است و به آرامی خارج می شود. گاهی خون حیض نیز همین اوصاف را دارد؛ بنابراین، خون زرد و کدر در ایام حیض، خون حیض است و همین خون (با همین اوصاف) در ایام پاکي، خون حیض نیست (استحاضه است).

هر خونی که زن کمتر از سه روز ببیند و دلیل آن زخم یا جراحت نباشد، خون استحاضه است. خونی که بیشتر از عادت و بیشتر از ده روز باشد نیز همین گونه است. به همین ترتیب خونی که بیشتر از حداکثر ایام نفاس (ده روز) باشد و علائم خون حیض را نداشته باشد، یا خونی که در حاملگی باشد یا خونی که قبل از بلوغ یا بعد از یائسگی خارج شود، همگی استحاضه هستند.

وإذا تجاوز الدم عشرة أيام وهي ممن تحيض فقد امتزج حيضها بطهرها، فهي: إما مبتدئة، وأما ذات عادة مستقرة، أو مضطربة.

زنی که خون دیدنش بیشتر از ده روز طول بکشد و از زنانی باشد که حیض می بینند (یائسه یا کمتر از نه سال نباشد)، ایام پاکي اش با حیض مخلوط شده است؛ در این صورت او یا مبتدئه است یا دارای عادت ماهانه و یا مضطربه.

فالمبتدئة: ترجع إلى اعتبار الدم، فما شابه دم الحيض فهو حيض، وما شابه دم الاستحاضة فهو استحاضة بشرط أن يكون ما شابه دم الحيض لا ينقص عن ثلاثة ولا يزيد عن عشرة. فإن نقص أو زاد، أو كان لونه لوناً واحداً، أو لم يحصل فيه شريطة التمييز رجعت إلى عادة نساءها إن اتفقن، فإن كن مختلفات جعلت حيضها في كل شهر سبعة أيام.

زن مبتدئه:

به رنگ خون و علائم آن بنگرد؛ آنچه دارای علائم خون حیض است برای او حیض محسوب می‌شود و آنچه شبیه خون استحاضه باشد، استحاضه است، به شرطی که آنچه شبیه خون حیض است از سه روز کمتر و از ده روز بیشتر نباشد. اگر این مقدار کمتر یا بیشتر باشد و یا رنگ آن تغییر نکند و یا شرط‌های تشخیص حیض در آن تحقق نیابد، اگر عادت ماهانه زنان فامیل یکسان است، مانند آنها عمل کند و اگر یکسان نبودند مقدار حیض خود را در هر ماه، هفت روز قرار دهد.

و ذات العادة: أ- تجعل عاداتها حيضاً وما سواه استحاضة، فإن اجتمع لها مع العادة تميز تعمل على العادة.

زن دارای عادت معین:

عادت ماهانه خود را حیض و مابقی را استحاضه قرار دهد. اگر با وجود عادت ماهانه در کیفیت خون نیز تغییر حاصل شود به آن اعتنا نکند و بر عادت خود عمل کند.

وها هنا مسائل:

در اینجا چند مسئله وجود دارد:

الأولى: إذا كانت عاداتها مستقرة عدداً ووقتاً فرأت ذلك العدد متقدماً على ذلك الوقت أو متأخراً عنه تحيضت بالعدد وألقت الوقت ، لأن العادة تتقدم وتتأخر، سواء رأته بصفة دم الحيض أو لم يكن.

اول: زنی که دارای عادت ماهانه معین از نظر عدد و زمان می‌باشد، اگر زودتر یا دیرتر از وقت مشخص حیض ببیند ولی تعداد روزهایش همان تعداد معین باشد، باید همان تعداد روز را حیض قرار دهد و وقت از اعتبار ساقط می‌شود،⁽¹⁾ زیرا ممکن است عادت زودتر و یا دیرتر اتفاق بیفتد، چه خون را با اوصاف حیض ببیند و چه اوصافش متفاوت باشد.

الثانية: لو رأَت الدم قبل العادة وفي العادة، فإن لم يتجاوز العشرة فالكل حيض، وإن تجاوز جعلت العادة حيضاً، وكان ما تقدمها إستحاضة. وكذا لو رأَت في وقت العادة وبعدها. ولو رأَت قبل العادة وفي العادة وبعدها، فإن لم يتجاوز العشرة فالجميع حيض، وإن زاد على العشرة فالحيض وقت العادة والطرفان إستحاضة.

1- یعنی زمان شروع عادت ماهانه که به‌طور منظم در آن روز آغاز می‌شده است، مورد توجه قرار نمی‌گیرد؛ مثلاً همیشه پنجم ماه شروع میشده ولی الآن سوم یا

هشتم شروع شده باشد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص 65)

دوم: اگر قبل از ایام عادت ماهانه، خون دیدن او شروع شود و در ایام عادت نیز ادامه یابد، اگر از ده روز بیشتر نشود تمام این مدت حیض است، و اگر از ده روز بیشتر باشد، روزهای عادت را حیض و ایام قبل از آن را استحاضه قرار می‌دهد. همین حکم اگر در هنگام عادت، خون ببیند و بعد از آن ادامه یابد نیز برقرار می‌باشد؛ بنابراین اگر قبل از عادت، هنگام عادت و بعد از آن خون ببیند، اگر تعداد ایام از ده روز بیشتر نباشد تمام مدت حیض محسوب می‌شود و اگر بیشتر از ده روز باشد روزهای عادت حیض و قبل و بعد از آن، استحاضه است.

الثالثة: لو كانت عاداتها في كل شهر مرة واحدة عدداً معيناً، فرأت في شهر مرتين بعدد أيام العادة ويفصل بينهما أقل الطهر أو أكثر كان ذلك حيضاً، ولو جاء في كل مرة أزيد من العادة لكان حيضاً إذا لم يتجاوز العشرة، فإن تجاوزت بقدر عاداتها وكان الباقي إستحاضة.

سوم: اگر عادت زن در هر ماه یک بار و دارای عدد معینی (مثلاً پنج روز) باشد، اگر در یک ماه دو بار به تعداد ایام عادت خون ببیند و بین این دو به اندازه کمترین مدت پاکی (ده روز) یا بیش از آن فاصله بیفتد، هر دوی این‌ها حیض می‌باشد و اگر در هر بار بیشتر از مدت معمول عادت خون ببیند، اگر از ده روز بیشتر نباشد، تمام آن حیض می‌باشد. اگر بیشتر از ده روز شود، اندازه عادت همیشگی را حیض و مابقی را استحاضه به شمار آورد.

والمضطربة العادة ترجع إلى التميّز فتعمل عليه، فإن إطمأنت من الصفات أنه حيض تركت العبادة، وإلا فلا تترك الصلاة إلا بعد مضي ثلاثة أيام وتطمئن أنه حيض، فإن فقد التميّز فهنا مسائل ثلاث:
زنی که مضطربه است:

باید بر اساس کیفیت خون عمل کند؛ اگر از صفات آن مطمئن شود که خون حیض است باید عبادت را ترک کند؛ در غیر این صورت نباید نماز را ترک کند تا اینکه سه روز بگذرد و از حیض بودنش اطمینان حاصل نماید؛ اما اگر نتواند از روی صفات خون تشخیص دهد، سه حالت به وجود خواهد آمد:

الأولى: لو ذكرت العدد ونسيت الوقت تجعل أول أيام الدم حيض بعدد أيامها والباقي إستحاضة.

اول: اگر تعداد ایام حیض را به یاد داشته باشد ولی زمان آغاز عادت را فراموش کرده باشد، اولین روز خون دیدن خود را روز اول حیض قرار دهد و به تعداد ایام عادت خود بشمارد و مابقی را استحاضه حساب کند.

الثانية: لو ذكرت الوقت ونسيت العدد، فإن ذكرت أول حيضها أكملته بعدد نساءها إن اتفقن وسبعة أيام إن اختلفن، وإن ذكرت آخره جعلته نهاية عدد نساءها إن اتفقن ونهاية سبعة أيام إن اختلفن، وعملت في بقية الزمان ما تعلمه المستحاضة، وتقضي صوم الأيام التي جعلتها حيضاً فقط.

دوم: اگر وقت آغاز عادت ماهانه خود را به یاد داشته باشد ولی تعداد ایام را فراموش کند، اگر اولین روز خون دیدن خود را به یاد بیاورد، اگر زنان فامیل دارای عادت یکسان باشند باید طبق عادت ایشان عمل کند و اگر یکسان

نبودند هفت روز را حیض قرار دهد. اگر فقط روز پایان عادتش را به یاد آورد و زنان فامیل عادت یکسان داشته باشند، همان مقدار را به عنوان حیض حساب کند و اگر عادت ایشان یکسان نباشد، هفت روز قبل از روز پایانی عادتش را حیض محسوب نماید و در مابقی ایام خون دیدن به تکلیف مستحاضه عمل کند و فقط روزه خود را برای روزهایی که حیض قرار داده است قضا کند.

الثالثة: لو نسيتهما جميعاً، فهذه تتحيز في كل شهر بعدد أيام نساءها إن اتفقن، وبسبعة أيام إن اختلفن ما دام الاشتباه باقياً.

سوم: اگر همگی (هم تعداد و هم زمان آغاز عادت خود) را فراموش کرده باشد، اگر زنان فامیل دارای عادت یکسان باشند باید هر ماه طبق عادت ایشان عمل کند، و اگر یکسان نبودند، هفت روز را حیض قرار دهد، و این کار را تا زمانی که زمان یا تعداد را به یاد نیاورده است ادامه دهد.

وأما أحكامها، فنقول:

دم الإستحاضة إما أن لا يثقب الكرسف (لا تمتلئ القطنه دماً)، أو يثقبه ولا يسيل، أو يسيل.
احکام استحاضه:

خون استحاضه یا به عمق پنبه نفوذ و آن را پُر نمی کند (قليله) و یا به آن نفوذ کرده اما از آن گذر نمی کند (متوسطه) و یا اینکه به آن نفوذ کرده و از آن گذر می کند و جاری می شود (کثیره).

وفي الأول: يلزمها تغيير القطنه، وتجديد الوضوء عند كل صلاة، ولها أن تجمع بين الصلاتين بوضوء واحد.

در نوع اول: بر زن واجب است که برای هر نماز (در صورت دیدن خون روی پنبه) پنبه را عوض و برای هر نماز تجدید وضو کند. می تواند با یک وضو دو نماز را با هم بخواند.⁽²⁾

وفي الثاني: يلزمها مع تغيير القطنه تغيير الخرقه، والغسل لصلاة الغداة (الفجر).

در نوع دوم: بر او لازم است هم پنبه و هم پارچه بیرون را تغییر دهد و برای نماز صبح غسل کند.⁽³⁾

1- خارج شدن خون بعد از وضو و بین دو نماز اشکالی ندارد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت ص 68)

2- اگر درحالی که استحاضه قلیله است نماز صبح را بخواند، سپس در هنگام ظهر استحاضه متوسطه شود، واجب نیست در آن هنگام غسل کند بلکه غسل قبل از نماز صبح واجب می گردد؛ و اگر هنگام نماز صبح استحاضه متوسطه بود و به علت عذر و یا مشقت زیاد نتوانست قبل از نماز صبح غسل کند، در هر زمان که توانست غسل می کند اگرچه بهتر است قبل از نماز واجب بعدی، این کار را انجام دهد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص 69)

وفي الثالث: يلزمها مع ذلك غسلان، غسل للظهر والعصر تجمع بينهما، وغسل للمغرب والعشاء تجمع بينهما، وإذا فعلت ذلك صارت بحكم الطاهرة، وإن أخلت بذلك لم تصح صلاتها. وإن أخلت بالأغسال لم يصح صومها.

در نوع سوم: علاوه بر موارد مذکور در نوع دوم، دو غسل دیگر نیز بر چنین زنی واجب است: یک غسل برای نماز ظهر و عصر البته اگر هر دو نماز را با هم بخواند، و یک غسل نیز برای نماز مغرب و عشا، اگر آن‌ها را با هم بخواند.⁽⁴⁾ اگر چنین کند حکمش مانند حکم زن پاک است. اگر وظایف مذکور را به درستی انجام ندهد⁽⁵⁾ نمازش صحیح نیست و نیز اگر غسل‌ها را به درستی انجام ندهد روزهاش هم صحیح نیست.

4- اگر نمازها را جدا بخواند، باید برای هر نماز یک غسل به‌جا آورد؛ البته اگر بعد از غسل نماز اول خون نیامده باشد، برای نماز بعدی غسل لازم نیست. (احکام الشریعه بین السائل والمجیب جزء اول، طهارت: ص 69)

5- یعنی آنچه در هر نوع از انواع استحاضه بر او واجب می‌گردد، اعم از تغییر پنبه و پارچه و تجدید وضو و یا غسل. (احکام الشریعه بین السائل والمجیب جزء اول، طهارت: ص 70)